تحلیل

صعود قیمت نفت متوقف شد

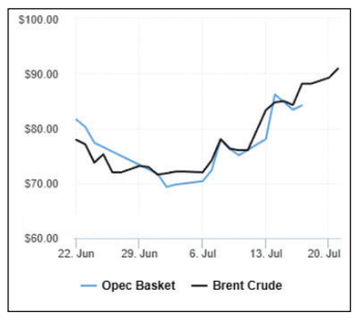

قیمت نفت در معاملات روز سه‌شنبه بازار جهانی، پس از آن کاهش یافت که برخی رسانه‌ها به نقل از منابع آگاه مدعی شدند چند میانجی منطقه‌ای، پیشنهادی برای آتش‌بس ۱۰ روزه به ایران و آمریکا ارائه کرده‌اند. به گزارش ایسنا، قیمت نفت خام برنت با ۷۸ سنت یا ۰.۹ درصد کاهش، به ۸۸ دلار و ۴۴ سنت در هر بشکه رسید. نفت خام وست تگزاس اینترمدیت آمریکا با ۷۳ سنت یا ۰.۹ درصد کاهش، به ۸۲ دلار و ۵۰ سنت در هر بشکه رسید، در حالی که قرارداد فعال‌تر برای تحویل در سپتامبر با ۴۱ سنت یا ۰.۵ درصد کاهش، به ۸۲ دلار و ۷ سنت در هر بشکه رسید. هر دو شاخص بازار جهانی پس از نوسانات شدید در معاملات روز دوشنبه، در بحبوحه افزایش عدم قطعیت، تقریبا با یک درصد افزایش بسته شدند. تحلیلگران شرکت آی‌ان‌جی در یادداشتی با اشاره به توافق موقت ژوئن گفتند: «امیدی به کاهش تنش میان ایران و آمریکا وجود دارد. گزارش‌ها حاکی از آن است که میانجی‌ها آتش‌بس ۱۰ روزه را پیشنهاد می‌کنند که می‌تواند تفاهمنامه (MoU) را دوباره به مسیر خود بازگرداند.» با این حال این تحلیلگران افزودند: این کار آسان نخواهد بود زیرا اختلافات عمده‌ای میان واشنگتن و تهران باقی مانده است. بر اساس گزارش رویترز، این تلاش دیپلماتیک پس از یک شب دیگر از تجاوزات نظامی آمریکا به شهرهای ایران و پاسخ کوبنده ایران با هدف گرفتن پایگاه‌های نظامی آمریکا در سراسر منطقه انجام شد. روز دوشنبه، فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که دور دیگری از حملات به ایران را اجرا کرده است. معامله‌گران در بحبوحه تحولات سریع ژئوپلیتیکی، تمایلی به در اختیار گرفتن قراردادهای بزرگ نداشتند. بازار همچنان بی‌ثبات است و بین امید به دیپلماسی جدید و ترس از اختلالات عرضه در نوسان است. در این بین، تحریم دریایی عربستان سعودی توسط نیروهای مسلح یمن اعلام شد. این محاصره، بر حمل و نقل از طریق تنگه باب‌المندب، یک گلوگاه حیاتی که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند و تقریبا ۱۲ درصد از تجارت جهانی و حجم قابل توجهی از محموله‌های نفتی را مدیریت می‌کند، تاثیر می‌گذارد. هرگونه اختلال مداوم می‌تواند نفتکش‌ها را مجبور کند مسیرهای طولانی‌تری را در اطراف جنوب آفریقا طی کنند که هزینه‌های حمل و نقل را افزایش می‌دهد و تحویل‌ها را به تاخیر می‌اندازد. تیم واتر، تحلیلگر ارشد بازار در شرکت کی‌سی‌ام ترید گفت: تهدیدات محاصره دریایی عربستان سعودی توسط نیروهای یمنی قابل توجه است، زیرا خطر اختلال در یکی دیگر از صادرکنندگان بزرگ نفت را افزایش می‌دهد. نظرسنجی اولیه رویترز در روز دوشنبه نشان داد که انتظار می‌رود ذخایر نفت خام آمریکا در هفته گذشته به همراه بنزین کاهش یافته باشد، در حالی که ذخایر فرآورده‌های تقطیری احتمالا افزایش یافته است.

تجدیدپذیر

آغاز استفاده آزمایشی از بنزین تجدیدپذیر در اسپانیا

گروه بی‌ام‌دبلیو و تویوتا موتور اروپا یک طرح آزمایشی شش ماهه برای استفاده از بنزین تجدیدپذیر «نکسا ۹۵» (Nexa ۹۵) شرکت رپسول آغاز کرده‌اند تا مقیاس‌پذیری سوخت تجدیدپذیر را روی خودروهای موجود آزمایش کنند. به گزارش ایسنا، شرکت انرژی اسپانیایی رپسول در بیانیه‌ای اعلام کرد نتایج این طرح آزمایشی با سیاستگذاران اتحادیه اروپا به اشتراک گذاشته خواهد شد. این شرکت گفت: با توجه به اینکه سیاست اتحادیه اروپا در حال حاضر عمدتا بر برقی‌سازی متمرکز است، هدف این پروژه نشان دادن این است که سوخت‌های تجدیدپذیر می‌توانند نقشی مکمل و مقیاس‌پذیر در کاهش انتشار دی‌اکسید کربن داشته باشند. این طرح آزمایشی در اسپانیا شامل استفاده از حدود ۲۰ وسیله نقلیه از تویوتای ژاپن و بی‌ام‌دبلیوی آلمان با سوخت «نکسا ۹۵» است که طبق اعلام رپسول، از ۱۰۰ درصد منابع تجدیدپذیر ساخته شده است. بوش فناوری ردیابی دیجیتال سوخت را ارایه خواهد داد. رپسول اعلام کرد: این طرح آزمایشی با هدف ارائه شواهد ملموس و واقعی مبنی بر این است که وسایل نقلیه‌ای که منحصرا با سوخت‌های تجدیدپذیر کار می‌کنند می‌توانند به‌طور موثر در مقیاس بزرگ استفاده شوند و از گذار اروپا به سمت کربن‌زدایی از حمل و نقل از طریق یک رویکرد مکمل و بدون وابستگی به فناوری حمایت کنند. سال گذشته، رپسول با شروع تولید «در مقیاس صنعتی» بنزین ۱۰۰ درصد تجدیدپذیر در مجتمع تاراگونا، یک «نقطه عطف فناوری» را اعلام کرد. رپسول در یک بیانیه مطبوعاتی در هشتم اکتبر ۲۰۲۵ اعلام کرد: «این محصول جدید که کاملا از منابع تجدیدپذیر ساخته شده است، بدون نیاز به هیچ گونه تغییری، کاملا با خودروهای بنزینی سازگار است. استفاده از آن در مقایسه با بنزین معمولی، انتشار خالص دی‌اکسید کربن را بیش از ۷۰ درصد کاهش می‌دهد.» این شرکت می‌گوید دیزل تجدیدپذیری که قبلا توسعه داده بود، می‌تواند در خودروها، کامیون‌ها و کشتی‌های موجود نیز استفاده شود. این شرکت در ماه مه گذشته، اعلام کرد که تولید دیزل تجدیدپذیر را در مجتمع صنعتی پورتولانو در سیوداد رئال اسپانیا، دومین کارخانه خود که منحصرا به تولید سوخت‌های ۱۰۰ درصد تجدیدپذیر اختصاص دارد، آغاز کرده است. پروژه پورتولانو که از یک واحد پالایشگاهی تبدیل شده است، می‌تواند حداکثر ۲۰۰ هزار تن در سال تولید کند. طبق اعلام رپسول، کارخانه قبلی در کار تا خاظرفیت ۲۵۰ هزار تن متریک دارد. رپسول در تاریخ ۲۶ مه اعلام کرد: «برای توسعه این پروژه در پورتولانو، رپسول برای اولین‌بار در شبه جزیره ایبری، ۱۳۰ میلیون یورو (۱۴۸.۴۷ میلیون دلار) سرمایه‌گذاری کرده است تا یک واحد پالایشگاهی که مواد اولیه فسیلی را فرآوری می‌کرد، به تاسیساتی تبدیل کند که قادر به فرآوری روغن پخت و پز استفاده شده و سایر ضایعات صنعت کشاورزی و مواد غذایی باشد.»

«تعادل» از نزدیک شدن تجدیدپذیرها به آستانه ۱۰ هزار مگاوات گزارش می‌دهد

وقتی خورشید در پیچ و خم تخصیص ارز می‌سوزد

عبور ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از مرز ۵۴۰۰ مگاوات و چشم‌انداز رسیدن به آستانه ۱۰ هزار مگاوات، خبر از جابه‌جایی آرام گسل‌های تولید در صنعت برق ایران می‌دهد. اما عبور از این مرز، پیش از آنکه نیازمند زمین و مجوز باشد، در گروی حل کلان‌مساله‌ای به نام «تامین مالی ارزی» و هماهنگی میان دستگاه‌های متولی اقتصاد و صنعت است.

سنگینی بار شبکه برق کشور در سال‌های گذشته، همواره بر دوش نیروگاه‌های حرارتی تشنه سوخت فسیلی بوده است؛ واقعیتی که در فصول گرم سال خود را به شکل ناترازی و در فصول سرد به صورت بحران سوخت مخازن نشان می‌دهد. در چنین اتمسفری، خبر عبور ظرفیت تجدیدپذیرها از مرز ۵۴۰۰ مگاوات و خیز برداشتن برای عبور از مرز ۷ هزار مگاوات تا پایان تابستان، چیزی فراتر از یک آمار ساده دولتی است. این ارقام نشان‌دهنده آغاز یک شیفت پارادایم عملیاتی در سبد انرژی کشور هستند؛ تغییری که در صورت تحقق کامل و تقرب به هدف ۱۰ هزار مگاواتی، می‌تواند تنفس گاهی تازه برای شبکه برق ایران ایجاد کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای نخستین‌بار، گره‌های سنتی توسعه نیروگاه‌ها یعنی «واگذاری زمین»، «صدور مجوزهای محلی» و «اتصال به شبکه» تا حد زیادی باز شده است. واگذاری اختیارات به استانداری‌ها در نیمه دوم سال گذشته، سرعت بروکراسی را بهبود بخشید؛ اما درست در لحظه‌ای که زمین و شبکه آماده پذیرش نیروگاه‌ها شدند، مانع بزرگ‌تری خودنمایی کرد: زنجیره تامین و تامین ارز. واقعیت این است که ساخت نیروگاه‌های تجدیدپذیر، به‌رغم تمام پتانسیل‌های داخلی، همچنان در بخش تجهیزات کلیدی به واردات وابسته است و این وابستگی، پروژه‌ها را به صف‌های طولانی تخصیص ارز در وزارت صمت متصل می‌کند.

تخصیص رقم پیشنهادی ۶۰۰ میلیون دلاری به متقاضیان واجد شرایط، سنگ محک جدی برای سنجش عزم دولت در توسعه انرژی‌های پاک خواهد بود. اگر این جریان مالی به صورت مستمر و ماهانه تزریق نشود، سرعت احداث نیروگاه‌های در حال ساخت که بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ مگاوات تخمین زده می‌شوند، به شدت کاهش خواهد یافت. در واقع، تجدیدپذیرها در ایران نه در مرحله ارزیابی فنی و کارشناسی، بلکه در ایستگاه تخصیص منابع ارزی و ثبت سفارش‌ها متوقف مانده‌اند.

در کنار این چالش‌های کلان، تصمیم اخیر برای مجاز شدن فروش برق نیروگاه‌های انشعابی و مقیاس کوچک در تابلوی سبز بورس انرژی، می‌تواند محرک بی‌سابقه‌ای برای بخش خصوصی خرد باشد. تا پیش از این، انگیزه اقتصادی کافی برای سرمایه‌گذاران خانگی، کشاورزی و تجاری جهت نصب پنل‌های خورشیدی وجود نداشت؛ چرا که مکانیزم خرید تضمینی دولتی جذابیت رقابتی بالایی ایجاد نمی‌کرد. ورود برقِ خرده‌فروشان به بورس و امکان فروش با قیمت‌های واقعی‌تر، می‌تواند مدل توسعه تجدیدپذیرها را از شکل «پروژه‌های دولتی یا نیمه‌دولتی متمرکز» به سمت «تولید پراکنده مردمی» سوق بدهد؛ الگویی که در تمام دنیا به عنوان پایدارترین روش پدافندی و توزیع‌شده تولید برق شناخته می‌شود.

ایران با دارا بودن اراضی وسیع آفتاب‌گیر و دالان‌های بادی مناسب، یکی از مستعدترین نقاط جهان برای توسعه انرژی‌های پاک است. با این حال، تا زمانی که سیاست‌های ارزی وزارت صمت و اولویت‌بندی‌های بانک مرکزی با استراتژی‌های توسعه انرژی در کشور هم‌راستا نشود، رسیدن به سهم‌های دورقمی از تجدیدپذیرها در سبد ملی انرژی همچنان یک آرزوی معلق باقی خواهد ماند. برای کشوری که هر ساله با هزینه‌های سنگین ناترازی برق دست‌وپنجه نرم می‌کند، تسهیل مسیر ورود تجهیزات نیروگاهی و تخصیص ارز ارزان، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت اقتصادی و امنیتی است.

اروپا صدرنشین بالاترین مبلغ قبض‌های انرژی خانوار

اروپا همچنان در صدر فهرست کشورهایی با بالاترین مبلغ قبض‌های انرژی خانوار قرار دارد، به طوری که بر اساس تازه‌ترین داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، ۲۴ کشور از ۳۰ کشور نخست این رتبه‌بندی، اروپایی هستند.

به گزارش ایسنا، نتایج آخرین بررسی پایگاه داده هزینه انرژی خانوار آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) نشان می‌دهد، خانوارهای سوئدی در سال ۲۰۲۵، بیشترین هزینه انرژی را در جهان پرداخت کرده‌اند. این آمار که هزینه برق، گاز، گرمایش و سایر سوخت‌های مصرفی در منازل به‌جز هزینه حمل‌ونقل را در بر می‌گیرد، حاکی از آن است که کشورهای اروپایی، بالاترین هزینه‌های انرژی خانگی را دارند و ۲۴ کشور از ۳۰ کشور نخست این فهرست را تشکیل می‌دهند. سوئد با سرانه ۱۹۲۶ دلار در سال، در صدر این رتبه‌بندی قرار گرفته است. پس از آن فنلاند با ۱۷۸۶ دلار و اتریش با ۱۷۰۹ دلار جایگاه‌های دوم و سوم را در اختیار دارند. دانمارک با ۱۵۸۳ دلار و آلمان با ۱۴۵۰ دلار نیز پنج کشور نخست این فهرست را تکمیل می‌کنند. سوییس، جمهوری چک، فرانسه، ایتالیا و هلند نیز در میان ۱۰ کشور نخست دیده می‌شوند که نشان‌دهنده غلبه کشورهای اروپایی بر این رتبه‌بندی است.

آمریکا با ۱۰۴۲ دلار هزینه سالانه انرژی برای هر نفر، در رتبه شانزدهم قرار دارد اگرچه این رقم کمتر از سوئد محسوب می‌شود، اما همچنان از بیشتر کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین بالاتر است. انگلیس با ۹۶۵ دلار، کانادا با ۷۴۸ دلار، ژاپن با ۶۸۳ دلار و نیوزیلند با ۶۷۵ دلار نیز از دیگر اقتصادهای غیراروپایی هستند که در نیمه بالای جدول قرار گرفته‌اند.

در مقابل، کمترین هزینه انرژی خانوارها به کشورهای در حال توسعه تعلق دارد. بولیوی با تنها ۲۵ دلار سرانه سالانه، در انتهای جدول قرار گرفته و پس از آن الجزایر با ۲۹ دلار و مصر با ۳۵ دلار قرار دارند. هند با ۵۲ دلار، پاکستان با ۵۴ دلار، تونس با ۷۲ دلار و سنگال با ۸۹ دلار نیز در میان کشورهایی هستند که پایین‌ترین هزینه‌های انرژی خانگی را ثبت کرده‌اند. چین با ۱۷۳ دلار سرانه سالانه در رتبه ۴۹ قرار گرفته و ترکیه نیز با ۱۳۵ دلار در جایگاه ۵۳ این فهرست دیده می‌شود.

طبق گزارش ویژوال کپیتالیست، پایین بودن هزینه انرژی خانوارها را نباید به معنای بهره‌وری بیشتر در مصرف انرژی دانست. این وضعیت می‌تواند ناشی از عواملی مانند درآمد پایین‌تر، دسترسی محدود به خدمات نوین انرژی، کوچک‌تر بودن واحدهای مسکونی، آب‌وهوای گرم‌تر، پرداخت یارانه‌های دولتی یا پایین بودن قیمت برق و سوخت باشد.

احتمال صدور دستور خاموشی‌های دوره‌ای در ۱۴ ایالت آمریکا

اپراتور شبکه منطقه‌ای آمریکا برای ۱۴ ایالت مرکزی، عصر دوشنبه هشدار داد که ممکن است دستور خاموشی‌های دوره‌ای را صادر کند، زیرا سیستم برق به دلیل تقاضای بی‌سابقه در آستانه کمبود برق قرار دارد. به گزارش ایسنا، چندین نیروگاه به‌طور غیرمنتظره از مدار خارج شدند و حاشیه ذخیره را در بحبوحه موج گرما در منطقه‌ای که از داکوتای شمالی تا لوئیزیانا امتداد دارد، بسیار کم کردند. سازمان انتقال برق منطقه‌ای «مجموعه برق جنوب غربی» (SPP) هشدار انرژی سطح سه را صادر کرد، به این معنی که اپراتور شبکه از بخشی یا تمام ذخایر عملیاتی خود برای تامین تقاضا استفاده کرده است. این اپراتور شبکه اعلام کرد که با وجود ریسک بالا، مجبور به صدور خاموشی‌های دوره‌ای نشده است. مجموعه برق جنوب غربی حدود ساعت ۶ بعد از ظهر به وقت شرق آمریکا، هشدار سطح سه را برای منطقه غربی خود صادر کرد، اما سطح تهدید را چند ساعت بعد کاهش دهد. بر اساس گزارش رویترز، اپراتورهای شبکه در موارد نادر، برای جلوگیری از گسترش قطعی برق در منطقه وسیع‌تر، دستور خاموشی‌های کنترل شده را صادر می‌کنند.

تداوم کاهش ذخایر استراتژیک نفت خام آمریکا در هفته گذشته

ذخایر استراتژیک نفت خام آمریکا در هفته گذشته بیش از ۵ میلیون بشکه دیگر کاهش یافت و به ۳۱۱.۴ میلیون بشکه رسید. به گزارش تسنیم، بر اساس آخرین داده‌های منتشر شده، ذخیره استراتژیک نفت آمریکا با کاهش ۵.۱ میلیون بشکه‌ای در هفته گذشته پایین‌ترین سطح خود در ۴۳ سال گذشته سقوط کرده و هم‌اکنون به رقم ۳۱۱.۴ میلیون بشکه رسیده (این آمار مربوط به تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۲۶ است) اما آنچه جالب توجه است این است که تنها در فاصله چهار روز از انتشار این گزارش، نشانه‌های روشنی از ادامه روند نزولی و فشار فزاینده بر این ذخایر مشاهده می‌شود. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که اگر این روند کاهشی با همین سرعت ادامه پیدا کند، ظرف مدت تنها دو تا سه ماه آینده، حجم ذخایر استراتژیک نفت آمریکا از سقف مجاز تعیین‌شده از سوی کنگره که معادل ۲۵۲.۴ میلیون بشکه است، عبور خواهد کرد. این موضوع صرفا یک نوسان مقطعی نیست؛ بلکه یک مساله ساختاری و هشدار جدی برای امنیت انرژی آمریکا محسوب می‌شود که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در سطح بازارهای جهانی نفت و اقتصاد بین‌الملل به همراه داشته باشد.

هشدار درباره ناترازی بنزین کشور

آسیب به بخشی از پارس جنوبی، تولید میعانات گازی و بنزین را کاهش داده و حالا کشور با شکاف ۱۰ میلیون لیتری روبه‌روست؛ صرفه‌جویی، فوری‌ترین راه عبور از بحران است. به گزارش مهر، بازار سوخت کشور این روزها در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار دارد؛ مقطعی که در آن کوچک‌ترین غفلت در مدیریت مصرف می‌تواند تبعاتی فراتر از یک کمبود مقطعی به همراه داشته باشد. آغاز جنگ ۴۰ روزه و حمله دشمن آمریکایی به بخشی از پارس جنوبی، تنها یک رخداد امنیتی یا زیرساختی نبود، بلکه اثری مستقیم و زنجیره‌ای بر تولید انرژی کشور بر جای گذاشت.

پارس جنوبی یکی از مهم‌ترین نقاط اتکای صنعت انرژی ایران است و آسیب به بخشی از آن، تولید میعانات گازی را تحت فشار قرار داد؛ ماده‌ای که نقش مهمی در تامین خوراک و پایه تولید بنزین کشور دارد. نتیجه طبیعی این اختلال، کاهش ظرفیت تولید بنزین بود؛ آن هم در شرایطی که مصرف، هرچند نسبت به گذشته اندکی افت کرده، همچنان بالاتر از سطح قابل اتکای تولید داخلی قرار دارد.

برآوردها نشان می‌دهد اکنون میان مجموع تولید و واردات بنزین با میزان مصرف، شکافی حدود ۱۰ میلیون لیتر وجود دارد؛ شکافی که در کوتاه‌مدت به سادگی جبران نمی‌شود. در چنین وضعیتی، سیاستگذار ناگزیر است از هم‌اکنون برای کنترل شرایط دست به انتخاب بزند؛ یا به سراغ سناریوهای سختگیرانه قیمتی و غیرقیمتی برود، یا با جلب مشارکت عمومی، هزینه اجتماعی بحران را کاهش دهد. تجربه نشان داده هرگاه افکار عمومی به موقع در جریان واقعیت‌های موجود قرار گرفته، امکان مدیریت آرام‌تر و کم‌هزینه‌تر بحران فراهم شده است. اکنون نیز پیش از آنکه سیاست‌های محدودکننده به شکل جدی روی میز قرار بگیرد، مهم‌ترین و فوری‌ترین راهکار، کاهش داوطلبانه مصرف از سوی شهروندان، نهادها و دستگاه‌های اجرایی است. آسیب وارد شده به بخشی از پارس جنوبی را باید نقطه آغاز اختلال در زنجیره تامین بنزین کشور دانست. کاهش تولید میعانات گازی، مستقیما بر توان پالایشی و در نهایت بر حجم تولید بنزین اثر گذاشته. این اتفاق در حالی رخ داده که ظرفیت افزایش سریع تولید در کوتاه‌مدت وجود ندارد و صنعت پالایش برای بازگشت کامل به شرایط پایدار، نیازمند زمان، بازسازی و تثبیت شرایط تولید است. هرچند همزمان با این تحولات، مصرف بنزین نیز تا حدی کاهش پیدا کرده، اما این افت مصرف به اندازه‌ای نبوده که کاهش تولید را به‌طور کامل جبران کند. در نتیجه اکنون تراز سوخت کشور با یک فاصله ۱۰ میلیون لیتری میان تولید و واردات از یک سو و مصرف از سوی دیگر مواجه است. این شکاف اگرچه ممکن است در ظاهر تنها یک عدد باشد، اما در عمل به معنای فشار بر ذخایر، افزایش هزینه‌های تامین و محدود شدن دامنه مانور دولت در مدیریت بازار سوخت است. واقعیت این است که در شرایط بحرانی، هر لیتر بنزین اهمیتی فراتر از مصرف روزمره پیدا می‌کند. اگر این فاصله در زمان کوتاه کنترل نشود، می‌تواند تصمیم‌گیران را به سمت سیاست‌هایی سوق بدهد که هم برای خانوارها و هم برای بخش حمل‌ونقل هزینه‌زا خواهد بود. به همین دلیل، شناسایی ریشه ناترازی و توضیح شفاف آن برای مردم، نخستین گام در مسیر مدیریت واقع‌بینانه این وضعیت است. دولت برای عبور از این دوره، به‌طور کلی دو دسته ابزار در اختیار دارد؛ سناریوهای قیمتی و سناریوهای غیرقیمتی. در سناریوهای قیمتی، معمولا اصلاح قیمت، بازتنظیم سهمیه‌ها یا افزایش هزینه مصرف مازاد مطرح می‌شود؛ ابزارهایی که ممکن است در کاهش مصرف موثر باشند، اما به همان نسبت حساسیت اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند. در مقابل، سناریوهای غیرقیمتی بر محدودیت‌های اجرایی، سهمیه‌بندی هدفمند، تغییر الگوی تردد و توسعه سوخت‌های جایگزین تکیه دارند.

در همین رابطه هاشم اورعی، کارشناس انرژی تاکید می‌کند: «در شرایطی که اختلال در تولید ناشی از یک حادثه بیرونی و امنیتی است، بهترین مسیر این است که پیش از ورود به سیاست‌های سخت‌گیرانه، از ظرفیت مشارکت عمومی استفاده شود. اگر مردم احساس کنند صرفه‌جویی امروز مانع از تصمیم‌های سخت فردا می‌شود، همراهی بیشتری نشان خواهند داد.» او می‌افزاید: «ناترازی ۱۰ میلیون لیتری عدد کوچکی نیست، اما غیرقابل مدیریت هم نیست؛ به شرط آنکه دولت و جامعه هم‌زمان وارد عمل شوند.» این کارشناس همچنین بر نقش نهادهای دولتی در الگوسازی تاکید دارد: «نمی‌توان از مردم خواست مصرف خود را کاهش بدهند، اما در دستگاه‌های اجرایی همان الگوی پرمصرف گذشته ادامه پیدا کند. اگر کارمندان دولت ملزم شوند از خودروی شخصی برای رفت‌وآمد استفاده نکنند یا دست‌کم بخشی از هفته را به شکل جمعی و سازمان‌یافته تردد کنند، پیام روشنی به جامعه منتقل خواهد شد.»

به گفته او، مدیریت مصرف زمانی موفق است که عدالت در اجرای آن دیده شود و همه بخش‌ها سهم خود را بپذیرند. در شرایط فعلی، مهم‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکار، کاهش داوطلبانه مصرف بنزین از سوی شهروندان است. این صرفه‌جویی لزوما به معنای حذف کامل سفرهای ضروری نیست، بلکه بیشتر بر اصلاح عادت‌های روزانه استوار است. برای نمونه، اگر هر خانواده برنامه‌ریزی کند که تنها یک روز در هفته از خودروی شخصی استفاده نکند، بخش قابل توجهی از مصرف روزانه قابل کنترل خواهد بود. همچنین استفاده از حمل‌ونقل عمومی، هم‌مسیر شدن اعضای خانواده یا همکاران و کاهش سفرهای غیرضروری درون‌شهری می‌تواند به شکل ملموسی از فشار بر شبکه تامین سوخت بکاهد. در این میان، توسعه و استفاده بیشتر از سی‌ان‌جی نیز یک گزینه مهم و در دسترس است. بخشی از ناوگان حمل‌ونقل کشور امکان استفاده از این سوخت را دارد، اما همچنان در بسیاری از موارد ترجیح مصرف‌کنندگان بر بنزین است. در حالی که تغییر این الگو، حتی به صورت موقت، می‌تواند سهم مهمی در مدیریت ناترازی فعلی داشته باشد. دولت نیز باید همزمان با دعوت مردم به صرفه‌جویی، زمینه دسترسی آسان‌تر و تشویق عملی برای مصرف سی‌ان‌جی را فراهم کند. کلیدی‌ترین نکته اما اینجاست که اگر هر فرد تنها یک لیتر از مصرف روزانه خود کم کند، اثر تجمیعی آن در مقیاس ملی بسیار چشمگیر خواهد بود. همین کاهش ظاهرا ساده می‌تواند کشور را از ورود به مرحله تصمیم‌های پرهزینه و محدودکننده دور نگه دارد. امروز صرفه‌جویی دیگر فقط یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه بخشی از مسوولیت ملی برای حفظ ثبات در شرایط ویژه است.

آنچه امروز در بازار بنزین کشور دیده می‌شود، نتیجه مستقیم یک فشار بیرونی بر زیرساخت‌های انرژی و پیامد آن بر زنجیره تولید میعانات گازی و بنزین است. کاهش تولید، در کنار مصرفی که هنوز بالاتر از توان تامین قرار دارد، ناترازی ۱۰ میلیون لیتری ایجاد کرده؛ ناترازی‌ای که نمی‌توان آن را با امید به افزایش سریع تولید در کوتاه‌مدت برطرف کرد. بنابراین واقع‌بینی حکم می‌کند که هم دولت و هم مردم، این وضعیت را جدی بگیرند و برای عبور از آن، نقش خود را بپذیرند. دولت می‌تواند بسته‌ای از سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی را برای کنترل مصرف در نظر بگیرد، اما پیش از رسیدن به آن مرحله، بهترین گزینه، فعال شدن اراده عمومی برای صرفه‌جویی است. اگر مردم با کاهش مصرف، استفاده کمتر از خودروی شخصی، بهره‌گیری بیشتر از حمل‌ونقل عمومی و سی‌ان‌جی، و حذف سفرهای غیرضروری همراهی کنند، می‌توان امید داشت که کشور بدون ورود به سناریوهای سختگیرانه‌تر از این مقطع عبور کند. در کنار آن، دستگاه‌های دولتی نیز باید پیشگام باشند و با محدود کردن استفاده از خودروهای شخصی در میان کارکنان، نقش عملی خود را ایفا کنند.

پیام این روزها روشن است؛ هر لیتر صرفه‌جویی، فقط یک عدد در آمار نیست، بلکه سهمی در حفظ ثبات اقتصادی و آرامش اجتماعی کشور است. اگر امروز مسوولانه‌تر مصرف کنیم، فردا ناچار به پذیرش تصمیم‌های سخت‌تر نخواهیم شد.

اخبار

چرا جریانی در میانه جنگی سرنوشت‌ساز، مهم‌ترین برگ برنده ایران را بی‌ارزش می‌شمارند؟

تنگه هرمز در آزمون عقلانیت

به گزارش تسنیم، دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، ایران را در برابر آزمونی دشوار قرار داد. آزمونی که در دل خود، پرسشی کهن‌تر از خود جنگ را زنده کرد. سرنوشت یک ملت را چه چیزی رقم می‌زند، امتیازدهی غیراصولی از موضع ضعف یا خلق مزیت از موضع قدرت؟ آمریکا با نقض بند پنجم تفاهمنامه‌ای که خود پای آن نشسته بود، بار دیگر آتش جنگ را برافروخت. این واقعیتی مستند و غیرقابل انکار است. با این حال، در همان روزهایی که چهره واقعی این رویکرد برای همگان آشکار شده بود، صداهایی از درون ایران برخاست که به‌جای نشانه گرفتن سیاست تهاجمی واشنگتن، انگشت اتهام را به سمت طرف ایرانی گرفتند. این نگاه، که خود را دلسوز صلح و آرامش می‌داند، در عمل، پیشنهادهایی می‌دهد که کشور را به جای سوق دادن به سمت پایان جنگ، به سمت تکرار آن روانه می‌کند. زیرا هم مؤلفه‌های قدرت ملی را تضعیف می‌کند و هم تضمینی برای رفع تحریم‌ها و تأمین منافع ایران به همراه نمی‌آورد. نتیجه چوبی دوسر باخت است. باختی که قربانی نهایی آن، امنیت و آرامش مردم این سرزمین خواهد بود. سید محمدصادق الحسینی، پس از دو جنگ و روشن‌شدن چهره خشن، غیرحقوقی و ضدایرانی آمریکا، پافشاری بر مدیریت ایرانی تنگه هرمز بر اساس مفاد تفاهم امضاشده را «اشتباه استراتژیک» خوانده و مدعی شده این پافشاری تنها به حساسیت جهانی و اجماع‌سازی علیه ایران دامن می‌زند. ناصر هادیان نیز در جمله‌ای که کمتر می‌توان آن را تحلیلی راهبردی نامید، گفته است: «تیم مذاکره‌کننده باید ماجرای تنگه هرمز را رها کند. چه مزیتی این تنگه هرمز دارد که ما آن‌قدر روی آن پافشاری می‌کنیم؟» این جملات، صرف‌نظر از نیت گویندگان، یادآور روزگاری است که برخی، ارزش منابع راهبردی این سرزمین (مانند نفت) را درنمی‌یافتند و می‌پنداشتند اگر از کنار آنها با اغماض بگذرند و به دشمن این مردم واگذار کنند، چیزی از دست نخواهد رفت. این نگاه در واقع چشم‌پوشی از منطق قدرت در نظامی جهانی است که هیچ اصول و اخلاقی را برنمی‌تابد و تنها زبان توازن را می‌فهمد. باید پرسید این جریان چگونه می‌خواهد از منافع ملی و جان ایرانیان حفاظت کند؟ آیا نشان دادن چهره‌ای ضعیف و امتیازدهی بی‌اصول، دشمنی را که همچون گرگ صفتی حریص در پی فرصت است، سیرتر نمی‌کند؟ آیا این رویکرد، جان کودکان و زنان این سرزمین را در برابر چنین دشمنی بیشتر در معرض خطر قرار نمی‌دهد؟ باید از خود پرسید این جریان واقعا دلش به حال ایران می‌سوزد؟ به حال این مردم می‌سوزد؟ اقتصاد بین‌الملل، سرشار از تجربه‌هایی است که نشان می‌دهد امتیازدهی از موضع ضعف در برابر کشوری با مختصات آمریکا، نه تنها تهدید را کاهش نمی‌دهد، که اشتهای طرف مقابل را برای امتیازخواهی بیشتر تحریک می‌کند.

چه کنیم که قطعی‌های دو ساعته برق متوقف شود؟

با عبور پیک تقاضای لحظه‌ای برق از مرز ۷۵ هزار مگاوات، رکورد جدیدی در پیک تقاضای برق سال جاری به ثبت رسید. به گزارش تسنیم، این روزها، قطعی‌های برنامه‌ریزی شده ۲ ساعته در شهرهای مختلف کشور اعمال می‌شود. در برخی شهرها و برخی نقاط شهری، به دلیل مصرف بالای برق، این قطعی‌ها روزانه و در برخی شهرها و نقاط شهری، هر چند روز یکبار اعمال می‌شود. این قطعی‌ها چرخشی بوده و تنها پارامتر تأثیرگذار روی آن، میزان مصرف برق ساکنان آن شهر یا محدوده است. دور گرمای هوا که با گستردگی قابل توجهی در پهنه ایران همراه بوده، و از نیمه تیرماه آغاز شده، همچنان ادامه دارد و پرمصرف‌ترین روزهای سال را در بخش برق به دلیل این گرمای فراگیر شاهد هستیم. بر اساس آمار رسمی شرکت مدیریت شبکه برق، در روز ۲۸ تیرماه، تقاضای لحظه‌ای برق در ساعت ۱۵:۲۸ به ۷۵ هزار و ۱۰۶ مگاوات رسید که این مقدار، رکورد جدیدی در پیک تقاضای برق سال جاری بود. در روز گذشته نیز (۲۹ تیرماه) پیک تقاضای لحظه‌ای برق ۷۴ هزار و ۹۹۱ مگاوات (در مرز ۷۵ هزار مگاواتی) بود که نشان‌دهنده ادامه تقاضای بالای برق در میانه روز ناشی از وسایل سرمایشی است. از تقاضای ۷۵ هزار مگاواتی برق در میانه روز، حدود ۳۵ هزار مگاوات مربوط به وسایل سرمایشی است که اگر مشترکان از دور کند کولرهای آبی و دمای ۲۵ درجه در کولرهای گازی استفاده کنند، این مقدار به صورت قابل توجه کاهش می‌یابد و همین اقدام ساده، کسری برق شبکه (فاصله تأمین تا تقاضا) را جبران و قطعی‌های برنامه‌ریزی شده دو ساعته در روز را متوقف خواهد کرد.

توسعه شهری دریاچه‌ها را می‌بلعد

یک کارشناس حوزه آب، ضمن هشدار نسبت به تداوم سیاست‌های ناپایدار در مدیریت منابع آب و توسعه شهری، گفت: بارش‌های سال جاری به معنای عبور از بحران نیست و ساخت‌وسازهای بی‌رویه، ایران را به سمت یک ابرفاجعه محیط‌زیستی سوق می‌دهد. داریوش مختاری، در گفت‌وگو با ایلنا، درباره اینکه با توجه به بارش‌های سال جاری، آیا می‌توان گفت که از وضعیت کم‌آبی عبور کرده‌ایم؟ اظهار داشت: همچنان با تقاضای فزاینده برای آب شهری مواجهیم. توسعه شتاب‌زده ساخت‌وسازها به‌ویژه در کلان‌شهرها، بارگذاری جمعیتی را به شدت افزایش داده است. وقتی صحبت از مدیریت منابع آب است، باید به سمت تخصیص بهینه برویم، نه اینکه به هر نحو ممکن و با قرض گرفتن آب، جمعیت جدید را به مناطق دارای محدودیت تحمیل کنیم. وی در توضیح آب قرضی و پیامدهای آن برای حوضه مبدأ گفت: مثلا برای تأمین آب شرب تهران از طالقان قرض گر